

آمریکا قطعنامه عضویت فلسطین در سازمان ملل را وتو کرد

آمریکا در جلسه بامداد جمعه شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه پیشنهادی الجزایر که خواستار عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل می‌شد را وتو کرد. آمریکا پیشتر تهدید کرده بود قطعنامه را وتو می‌کند. تصویب این قطعنامه به معنای به رسمیت شناختن کشور فلسطین بود. پیشتر نیز اخباری در خصوص تلاش آمریکا برای اعمال فشار به دیگر کشورها درخصوص ارائه رای منفی به عضویت فلسطین در سازمان ملل منتشر شده بود. در این رأی‌گیری، ۱۲ عضو شورای امنیت به این قطعنامه رأی مثبت دادند و آرای انگلیس و سوئیس نیز ممتنع بود. این چهارمین وتوی آمریکا در جهت حمایت از رژیم صهیونیستی از آغاز جنگ غزه است. تشکیلات خودگردان فلسطین مخالفت آمریکا با عضویت کامل این کشور در سازمان ملل را محکوم و آن را «ناعادلانه و غیرموجه» توصیف کرد. وزیر خارجه رژیم صهیونیستی اما از این اقدام آمریکا استقبال کرد و مدعی شد پیشنهاد به‌رسمیت شناختن کشور فلسطین پس از عملیات مقاومت فلسطین در هفتم اکتبر، «هدیه‌ای برای تروریسم» است. در پی وتوی آمریکا، «واسیلی نبنزیا» نماینده روسیه در سازمان ملل گفت، ایالات متحده جشمان خود را به روی فجایی که در غزه، کرانه باختری و قدس شرقی در حال وقوع است، بسته است. او همچنین این اقدام آمریکا را «تلاش نامیدکننده برای توقف دوره اجتناب‌ناپذیر تاریخ» توصیف کرد. وزیر خارجه ایرلند هم از این اقدام آمریکا ابراز «ناامیدی» کرد و گفت: «زمان آن فرا رسیده که فلسطین جایگاه شایسته خود را در میان کشورهای جهان به دست آورد.» نماینده فلسطین در سازمان ملل نیز حق تعیین سرنوشت این کشور را با «سازش، تاخیر یا تعلیق نمی‌پذیرد.»، «زیاد ابو عمرو» گفت: «اسرائیل یک قدرت استعماری است که هدف آن محو مردم فلسطین، تمدن و فرهنگ آن‌هاست.» «عمار بن جامع» نماینده الجزایر در سازمان ملل هم گفت، رای ندادن به عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل متحد «یک شرم ابدی و یک اشتباه بزرگ و ناخوشودنی» است. گزارش‌ها حاکی است که پیش‌نویس قطعنامه ارائه‌شده، یکی از کوتاه‌ترین قطعنامه‌ها در تاریخ شورای امنیت بود. در این پیش‌نویس آمده بود: «شورای امنیت، پس از بررسی درخواست کشور فلسطین برای پذیرش در سازمان ملل، به مجمع عمومی توصیه می‌کند که دولت فلسطین به عضویت سازمان ملل پذیرفته شود.» برای تصویب این قطعنامه، می‌بایست حداقل ۹ عضو شورای امنیت با آن موافقت می‌کردند و هیچ‌یک از اعضای دائم این شورا - چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا، ایالات متحده - از حق وتوی خود استفاده نکنند. رابرت وود، معاون سفیر ایالات متحده در سازمان ملل پنجشنبه در نشست شورای امنیت گفت: «ایالات متحده همچنان به حمایت قوی از راه حل ایجاد دو کشور ادامه می‌دهد.» این دیپلمات آمریکایی تصریح کرد که «وتوی» این قطعنامه را نباید به مثابه مخالفت ایالات متحده با تشکیل دولت فلسطین دانست، بلکه تأکیدی بر این است که تنها از طریق مذاکرات مستقیم بین طرفین چنین اتفاقی محقق خواهد شد. وزارت خارجه سوریه وتوی قطعنامه عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل توسط آمریکا را محکوم کرد. وزارت خارجه سوریه در بیانیه‌ای اعلام کرد: ما وتوی قطعنامه عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل توسط آمریکا را محکوم می‌کنیم. کارشکنی آمریکا در اجرای مسئولیت تاریخی شورای امنیت درباره حمایت از حقوق مشروع ملت فلسطین لکه ننگ دیگری در کارنامه آمریکا است که همواره اصول عمل جمعی بین‌المللی را زیر پا می‌گذارد و کورکورانه از رژیم اشغالگر اسرائیل جانبداری می‌کند. وزارت خارجه سوریه تأکید کرد: این اقدام آمریکا تنها منجر به افزایش بی‌ثباتی و ناامنی در خاورمیانه می‌شود. وزارت امور خارجه عربستان با انتشار بیانیه‌ای در این زمینه اعلام کرد: جلوگیری از عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل متحد، به تقویت سرکشی رژیم اشغالگر اسرائیل و ادامه نقض قوانین بین‌المللی بدون وجود هیچ عامل بازدارنده‌ای در این زمینه کمک می‌کند و هیچ‌گونه کمکی به برقراری صلح نخواهد کرد. وزارت خارجه عربستان همچنین تأکید کرد: بار دیگر از جامعه جهانی می‌خواهیم به مسئولیت‌هایش در زمینه توقف تجاوزگری اشغالگران اسرائیلی به‌غیرنظامیان در غزه، حمایت از حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت‌شان و برپایی کشور مستقل فلسطین به پایتختی بیت‌المقدس براساس طرح صلح عربی و قطعنامه‌های بین‌المللی ذیربط عمل نماید.

عکس: AFP



بین‌الملل
INTERNATIONAL



سراب دو دولتی

واشنگتن باید حمایت بی‌قید و شرط خود را از اسرائیل متوقف کند و براساس واقعیت‌های میدانی سیاست گذاری کند

عادی‌سازی روابط بین کشورهای عربی و اسرائیل برقرار شود. اما این ذهنیت که یک دولت فلسطینی می‌تواند از خرابه‌های غزه سر بر بیورد، هیچ ریشه‌ای در واقعیت ندارد. مدت‌ها پیش از ۱۷ اکتبر، روشن بود که عناصر بنیادین برای راهکار دودولتی وجود ندارند. اسرائیل دولت‌راستی‌گرایی را انتخاب کرده‌بود که مقام‌هایی در آن حاضر بودند که علناً با راهکار دودولتی مخالف بودند. رهبران فلسطین که توسط غرب به رسمیت شناخته می‌شوند، یعنی تشکیلات خودگردان فلسطینی، به شدت در میان فلسطینیان نامحبوب شده‌است. در عین حال شهرک‌سازی اسرائیلی تا حدی گسترش پیدا کرده‌است که ایجاد یک کشور فلسطینی ماندگار و به هم‌پیوسته تقریباً غیرممکن شده‌است. برای نزدیک به ربع قرن گذشته نیز تقریباً هیچ مذاکره جدی فلسطینی-اسرائیلی وجود نداشت و هیچ مقام منتخبی نیز در اسرائیل از ازسرگیری چنین مذاکراتی حمایت‌نکرده‌است.

حمله بهت‌آور حماس به اسرائیل و اقدام چندماهه اسرائیل برای محو کردن غزه نیز باعث شده‌است تا همه این روندها تقویت شوند. اثر اصلی، صحبت دوباره از راهکار دودولتی این است که واقعیت یک‌دولتی که به‌طور قطع در جنگ‌های بیش‌تری فرو می‌رود، پوشانده شود. خیلی خوب بود اگر می‌شد اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها بتوانند در مورد تقسیم مسالمت‌آمیز سرزمین و ملت در دو کشور مستقل با هم مذاکره کنند. اما این کار شدنی نیست و آنها نمی‌توانند این کار را بکنند. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در چندین بیانیه به وضوح بیان کرد که نه‌تنها با تشکیل کشور فلسطینی مخالف است، بلکه همانگونه که خودش توضیح داده به «کنترل امنیتی کامل اسرائیل بر تمامی سرزمین‌های غرب رود اردن» ادامه خواهد داد. سرزمین‌های مورد اشاره او شامل قدس شرقی، کرانه باختری و نوار غزه می‌شوند. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد که حاکمیت اسرائیل بر میلیون‌ها فلسطینی غیرشهروند از طریق ساختار حاکمیت مشابه آپارتاید که در آن تا ابد فلسطینیان از داشتن حقوق کامل شهروندی محروم خواهند بود، ادامه خواهد داشت.

مسئولیت اصلی این واقعیت تلخ در وهله اول بر عهده سیاستمداران اسرائیلی است که البته با کمک رهبران فلسطینی و دولت‌های بی‌خیال عربی ایجاد شده‌است. اما بخش اصلی تقصیر طرف‌های ثالث خارجی بر عهده ایالات متحده آمریکا است که به راست‌گراترین دولت تاریخ اسرائیل کمک کرد و از آن دفاع کرد. دولت بایدن تنها با بیان کردن ادعای حمایت از صلح نمی‌تواند باعث ایجاد صلح شود. اما دولت بایدن می‌توانست این واقعیت را بپذیرد که ادبیات مربوط به آینده دودولتی شکست خورده‌است و تمرکز خودش را به سمت مدیریت شرایط به شکلی که هست، متوجه کند. این رویکرد شامل این می‌شود که دولت آمریکا اطمینان حاصل کند اسرائیل به قوانین بین‌المللی و هنجارهای لیبرال برای همه کشورهایی که در سرزمین‌های تحت کنترلش زندگی می‌کنند، احترام می‌گذارد و اطمینان حاصل کند که اسرائیل وعده بایدن را مبنی بر «معیارهای برابر آزادی، عدالت، امنیت و رونق به صورت مشابه‌برای فلسطینیان و اسرائیلی‌ها» عملی کند.

▼ نه دو کشور و نه یک کشور

درحالی‌که جنگ غزه استمرار پیدا می‌کند بسیاری از اسرائیلی‌ها استدلال می‌کنند که دیگر امکان بازگشت به وضعیت پیشین



واکنش بی‌رحمانه اسرائیل به حمله غافلگیرکننده حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ باعث بروز فاجعه انسانی شده‌است. تنها در طول ۱۰۰ روز ابتدایی جنگ اسرائیل، معادل سه بمب اتمی بر روی نوار غزه بمب ریخت و بیش از ۳۳ هزار فلسطینی را به قتل رساند که بیش از ۱۰ هزار نفر از آنان کودک بودند. ده‌ها هزار نفر دیگر بر اثر این بمباران‌ها مجروح شدند، ۷۰ درصد از منازل مسکونی غزه تخریب شدند یا آسیب دیدند و یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفر، یعنی نزدیک به ۸۵ درصد از جمعیت نوار غزه آواره شدند. براساس آمار سازمان ملل در حال حاضر نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر از ساکنان غزه در معرض گرسنگی قرار دارند و بیماری‌های عفونی به سرعت در حال گسترش است. در همین دوره در کرانه باختری، صدها فلسطینی توسط نیروهای اسرائیلی یا شهرک‌نشینان به قتل رسیدند و بیش از ۳۰۰۰ فلسطینی، بیشتر آنها بدون هیچ اتهامی، بازداشت شده‌اند. تقریباً از همان ابتدا مشخص بود که اسرائیل هیچ برنامه مشخصی برای پایان جنگ غزه ندارد و همین باعث شد تا ایالات متحده آمریکا به فرمول همیشگی خود رجوع کند. روز ۲۹ اکتبر، درست زمانی که قرار بود حمله زمینی اسرائیل آغاز شود، جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا گفت: «باید برای آنچه قرار است در ادامه رخ دهد، چشم‌انداز روشنی داشته‌باشیم و از نظر ما این اتفاق راه‌حل دودولتی است.» سه هفته بعد، پس از حملات بی‌رحمانه به شمال نوار غزه، رئیس‌جمهور آمریکا بار دیگر گفت: «فکر نمی‌کنم مادامی که راهکار دودولتی به‌نتیجه‌برسد، پایانی در کار باشد.» روز ۹ ژانویه، آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا بار دیگر به این موضوع اشاره کرد و خطاب به دولت اسرائیل گفت که راهکار دائمی «تنها از طریق رویکرد منطقه‌ای که شامل مسیر مشخص به سمت تشکیل دولت فلسطینی بشود، امکان‌پذیر است.» این مطالبات برای احیای راهکار دودولتی ممکن است با حسن‌نیت بیان شوند. سال‌هاست که راهکار دودولتی به‌عنوان هدف غایی دیپلماسی تحت‌رهبری آمریکا مطرح می‌شود و همچنان به‌عنوان تنها سازوکاری تلقی می‌شود که رسیدن هر دو ملتی را که در یک سرزمین زندگی می‌کنند به آرزوهای‌شان میسر می‌کند.

به این ترتیب مقام‌های ایالات متحده آمریکا به ادبیات و مفاهیم دهه‌های گذشته روی آورده‌اند تا بتوانند در میان هرج و مرج کنونی، دنبال نور امیدوی باشند. از آنجا که دهشت‌گراییل بیان حمله ۷ اکتبر و جنگ جاری در غزه نشان داد که وضعیت کنونی غیرقابل استمرار است، مقام‌های آمریکایی استدلال می‌کنند که این نتیجه‌گیری کمک می‌کند که به یک مصالحه بزرگ‌تر برسیم. آنها معتقدند که واشنگتن می‌تواند اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را تحت فشار قرار دهد تا نهایتاً تن به این هدف دست‌نیافتنی بدهند که دو دولت در کنار یکدیگر در صلح زندگی کنند و هم‌زمان

وجود ندارد و منظورشان از این حرف این است که امکان آتش‌بس بدون «تابودی» کامل حماس وجود ندارد. اما گزینه‌های جایگزینی که رهبران اسرائیلی به‌جای حاکمیت حماس پیشنهاد می‌کنند، تفاوت چندانی با وضعیت موجود ندارد. اینگونه نیست که اسرائیل به شکل ناگهانی غزه را تصرف کرده‌باشد، در واقع اسرائیل هرگز دست از کنترل غزه نکشیده‌بود، این واقعیت برای اهالی غزه که ۱۷ سال محاصره را تحمل کرده‌بودند، کاملاً روشن است. درست‌تر این است که بگوییم اسرائیل در چارچوب سازوکارهای سیاسی مختلف تنها قدرت اشغالگر در غزه در طول ۵۶ سال گذشته‌بوده‌است که حالا بار دیگر در حال تلاش برای تغییر دادن مقررات سلطه خود بر این باریکه است. دولت اسرائیل هم به‌وضوح اعلام کرده‌است که قصدی برای از سر گرفتن تلاش برای ایجاد کشور فلسطینی ندارد. اسرائیلی‌ها مدت‌ها پیش از ۷ اکتبر مخالفت خود را با راهکار دودولتی نشان داده‌بودند. در طول یک دهه گذشته، جناح صلح‌طلب اسرائیل که حزب میرتس آن را نمایندگی می‌کند، تا حدی در صندوق‌های رای سقوط کرد که به آستانه حذف کامل رسید. سال ۲۰۲۲ این حزب نتوانست کف رای لازم را برای ورود به کنست به دست بیاورد. دولت کنونی اسرائیل هر چند هنوز کاملاً راهکار دودولتی را رد نکرده‌است، اما هر کاری از دستش بر می‌آید، علیه آن کرده‌است و تعدادی از اعضای آن علناً آرزو دارند غزه و کرانه باختری را کاملاً ضمیمه کنند. وقایع ۱۷ اکتبر این روند را شتاب داد. افکار عمومی اسرائیل به شکل گسترده‌ای اعتقادشان را به نتایج ناشی از راهکار دودولتی از دست داده‌اند و جنبش شهرک‌نشینانی که نیتش سلطه بر تمامی سرزمین‌های محصور میان رود اردن و دریای مدیترانه است، با تمام توان به قدرت رسیده‌است. برخی ممکن است استدلال کنند این شهرک‌نشین‌ها به این دلیل تاثیرگذاری زیادی دارند که نتایج‌ها برای باقی ماندن در قدرت به آنها وابسته است. اما مشکل بزرگ‌تر از اینهاست. بسیاری از اسرائیلی‌ها این روزها نه علاقه‌ای به راهکار دودولتی دارند و نه راهکار یک‌دولتی تحت کنترل اسرائیل که همه شهروندان در آن با حقوق برابر زندگی کنند. بسیاری از آنها احساس می‌کنند که وقایع ۷ اکتبر تجسم بدترین نگرانی‌های آنها نسبت به فلسطینیان بود. چه اسرائیلی‌ها رسماً بپذیرند و چه نپذیرند، رد کردن راهکار دودولتی یا راهکار یک‌کشوری بر مبنای برابری برای همه، تنها دو احتمال را پیش روی ما می‌گذارد. احتمال نخست تشدید هر چه بیشتر برتری جویی و کنترل ژنادرستانه مشابه آپارتاید علیه جمعیت غیریهودی است که به زودی جمعیت آنها بیشتر از اسرائیلی‌های یهودی می‌شود. احتمال دوم کوچ اجباری گسترده فلسطینیان از سرزمین است که برخی اعضای کابینه اسرائیل علناً خواستار آن شده‌اند. درسمت فلسطینی‌ها هم ابهت تشکیلات خودگردان که آمریکا آن را گزینه خود برای اداره غزه بعد از جنگ می‌داند، تا حد زیادی فروبرخته‌است. تشکیلات خودگردان فلسطینی ضمن اینکه نتوانسته‌است جلوی سیاست‌های اسرائیل را بگیرد، در عین حال از دیدگاه فلسطینیان کاملاً فاسد به نظر می‌رسد و به لحاظ انتخاباتی هم هیچ مشروعیتی ندارد. امروزه کمتر فلسطینی‌ای پیدا می‌شود که از محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی حمایت کند. (یک نظرسنجی که اواخر ماه نوامبر ۲۰۲۳ در حین آتش‌بس کوتاه‌مدت در غزه انجام شد، نشان داد که حمایت از محمود عباس به ۷ درصد رسیده‌است.) هم‌زمان محبوبیت حماس در بین فلسطینیان به‌ویژه در کرانه باختری افزایش پیدا کرده‌است. نظرسنجی‌های جدید نشان می‌دهد که حمایت از راهکار دودولتی هنوز در میان فلسطینیان جریان دارد، اما در میان آنها تقریباً هیچ‌کس اعتقاد ندارد که آمریکا توانایی عملی کردن این راهکار را داشته‌باشد. افرادی که برای سازوکار دودولتی فشار می‌آورند باید با این واقعیت‌های مهم مواجه شوند. نه رهبران و نه افکار عمومی در هر دو طرف از چنین فرآیندی استقبال نمی‌کنند. واقعیت‌های میدان از جمله زیرساخت‌های امنیتی و راه‌هایی که طراحی شده‌اند تا شهرک‌های یهودی در سراسر کرانه باختری را محافظت کنند و به هم متصل کنند در کنار نابودی تقریباً کامل غزه، ایجاد یک کشور فلسطینی ماندگار را تقریباً غیرممکن کرده‌است.

▼ اوضاع بحرانی

واشنگتن به جای اصرار بر خروجی دودولتی که هیچ امکانی برای عملی شدن ندارد، باید واقعیت‌های کنونی را به رسمیت بشناسد و از نفوذ خود برای تضمین رعایت قوانین و هنجارهای بین‌المللی توسط تمام طرف‌ها استفاده کند. ایالات متحده مدت‌هاست که از فشار به اسرائیل برای رعایت چنین استانداردهایی اجتناب کرده‌است. دولت بایدن حتی تا جایی پیش رفته‌است که اسرائیل را در مقابل رعایت قوانین داخلی آمریکا هم محافظت کرده‌است. (ماه ژانویه گزارشی تحقیقی توسط گاردین منتشر شد که نشان می‌داد وزارت خارجه آمریکا از سال ۲۰۲۰ با استفاده از «سازوکارهای ویژه» با دور زدن قانونی در آمریکا که ارائه تسلیحات نظامی به دولت‌های ناقض حقوق بشر را منع می‌کرد، اجازه استمرار ارسال سلاح به اسرائیل می‌داد.) این وضعیت باید تغییر کند. واشنگتن تنها با رعایت نظام بین‌المللی لیبرال مبتنی بر قانون است که می‌تواند جلوی تلخ‌ترین بی‌عدالتی‌هایی را که در شرایط کنونی وجود دارد، بگیرد. چنین رویکردی بر این مبنا نیست که آمریکا به اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها دیکته کند که چه باید بکنند، بلکه بر این مبنا است که جلوی اقدام‌های غیرعادی برای استفاده از بخش زیادی از منابع آمریکا به هدف تقویت رفتارهایی که ایالات متحده قابل اعتراض می‌داند و با منافع آمریکا در تضاد است، بگیرد.

رویکرد مبتنی بر قانون در مورد وضعیت پساجنگ در غزه، کرانه باختری و قدس شرقی چند عنصر دارد. نخست اینکه آمریکا باید